



۲۰۱۸/۰۷/۲۶



سید حمید الله روغ

نقدی بر نظریه اسلامیستی درباره «أمت» و «خلافت»

یک عارف و متفکر بزرگ افغان ما را تنها گذاشت
به یادبود از مرحوم پوهاند دکتور عبدالحکیم ضیایی

بخش پنجم



مرحوم پوهاند داکتر عبدالحکیم ضیایی
قاضی القضاة افغانستان در زمان شاهی

خوش آن لحظه کز لطف تو عشق خود را
صمد دیدم و از صنم بی نیازم
به دستش چشیدم شراب محبت
چنان رفتم از خویش در وصل جانان
که بر عرش، مستانه پرواز کردم
به رنگی که دل خواست ابراز کردم
چه جانانه خود را سر افراز کردم
دماغ خود، نشه پرداز کردم

ع. ح. ضیایی

تذکر:

نوشته حاضرده سال پیش بمناسبت وفات جناب مرحوم پوهاند دکتور عبدالحکیم ضیایی سابق قاضی القضاة افغانستان نگاشته شد. ایشان بتاريخ ۵ جولای ۲۰۰۸ وفات کرد، و به تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۰۸ در هالند به خاک سپرده شد.

عبدالحکیم ضیایی اهل ذوق نیز بود. وی از آوان جوانی شعر می سرود. مجموعه های منظومه های وی «سرشک های جوانی» از سال های (۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰) و «گل های سرشک» از سال های (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴) به نشر رسیده اند. مجموعه «سراغ عشق» از سال های (۱۳۴۴ تا ۱۳۶۹) و مجموعه «سراغ امت» از سال های (۱۳۵۶ تا ۱۳۷۳) و مجموعه «آبده دوستی» از سال (۱۳۷۰) در دست اند.

عبدالحکیم ضیایی در سروده های خود به تدریج به شعر عارفانه گرایید. عبدالحکیم ضیایی یکی از مهم ترین نمایندگان شعر عارفانه در قرن بیستم در افغانستان است و مسایل طریقت و تصوف و عرفان اسلامی را به نظم در می آورد. وجه مشخصه شعر عارفانه عبدالحکیم ضیایی این است که وی با فلسفه غربی آشنایی آکادمیک دارد و ازین رو می تواند این گرایش خود به شعر عارفانه را با شک در مبنای فکر مدرن همراه بسازد؛ در منظومه «سراغ هستی» می آورد:

نا امیدی کرد پرتابم به پای نیستی

ماند یکدم از تپش هر عضو از اعضای من

با وجود آن به علم اجتماع و تربیت

شد زمانی فکر علمی نشای گیرای من

لیک مشکل حل نشد از کسب علم و فلسفه

بل نمود ایندو فزونتر لغزش و اغوای من

نی شد از تحلیل و از ترکیب کاری ساخته

نی یقین از شک نمایان شد در احصای من

نی شد از الواح استقراء حقیقت جلوه گر

ماند دایم پشت در، بیچاره استقرای من

نی ز نقد عقل محض آمد مرا نقدی به کف

نی عمل با نقد عقلش، کرد محکم پای من

نی طبیعت سفت راز گوهر هستی به کس

نی عناصر کرد شرح مرجع و مبدای من

نی وجود آمد ز موضوع و ضد وحدت بیر

نی بصیرت داد بر کف گوهر والای من

نی فروغ اجتماع افروخت شمع معرفت

تا شود در بزم هستی، انجمن پیرای من

نی روانکاوی گشود از عقده هستی گره

نی جهان بینی علمی کاست از سودای من

چند ماهی با چنین احوال بودم روز و شب

در کنار، از ناتوانی، برگ استهدای من

تا که جوش زندگی افروخت رویای مرا

تا فروغ یار جانی کرد روشن رای من

در این ابیات ضیایی نشان می دهد که نه فقط فقه فقیه، بل فلسفه مقفی خاقانی را هم در قفا می گذارد.

پوهاند دکتور عبدالحکیم ضیایی به تاریخ ۵ جولای ۲۰۰۸ در هالند وفات یافت و در همانجا در خاک غربت مدفون گردید. انا لله و انا الیه راجعون ط. این حقیقت تلخ که چنین بزرگمرد فکر و سیاست و عرفان افغانستان، ناگزیر در خاک غربت آرام می گیرد، نماد اصلی بحران و فاجعه کنونی افغانستان است.

بدور مدفن وی جز چند تن حاضر نبودند! در مطبوعات کسی از وی یاد نکرد! و امروز ده سال پس از مرگش، دیگر کسی

به نام وی فریاد نکرد! و بر مزارش کسی بنای یادبودی یک میلیارد دالری آباد نکرد!

بزرگان، نه در هیاهو، بل در تنهایی به یگانگی می رسند!

غفلت، حرفه ما افغانان است؛ بزرگترین غفلت ما افغانان این است که ما دچار غربت فکر هستیم.

اما افغانستان یک جزیره سکوت نبوده است؛ فقط به شعر و نوشته ضیایی سری بزنیم... بگفت بیدل

ز نقش پاهای سری باید کشیدن گاه گاه آن جا!!

پانویس ها:

پانویس شماره ۱: محمد سعید العشماوی: اسلام گرایی یا اسلام؛ ترجمه امیر رضایی؛ تهران ۱۳۸۲؛ ص ۲۲

پانویس شماره ۲: عشاوی؛ همانجا؛ ص ۶۱

پانویس شماره ۳: حمید عنایت: اندیشه سیاسی در اسلام معاصر؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ تهران ۱۳۶۲؛ صص ۱۲۴: «عربستان سعودی، لیبی، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به یک اندازه انتظار دارند که حکومت اسلامی شمرده شوند. ولی این انتظار یا ادعا منتج به در پیش گرفتن نظامی همانند از قوانین جزایی و خصوصی نشده است»

پانویس شماره ۴: آرنولد توین بی: تمدن در بوته آزمایش؛ ترجمه ابوطالب صارمی؛ تهران ۱۳۵۴؛ صص ۱۹۶ و ۱۹۹

پانویس شماره ۵: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۹۰

پانویس شماره ۶: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۹۲

پانویس شماره ۷: حمید عنایت؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر؛ صص ۱۱۷: «خلافت همواره با زور برقرار و با سرکوب و ستم حفظ شده است»؛ و در بحث از نظریات علی عبدالرزاق ادامه می دهد: «بحث اصلی او (علی عبدالرزاق) این بود که خلافت نه مبنایی در کتاب، نه در سنت، و نه در اجماع دارد... نص در هیچ جا اشاره ای به خلافت بمعنای خاص یک نهاد سیاسی، آن سان که در تاریخ سراغ داریم، ندارد... و این امر با توجه به آیه/در این کتاب از هیچ چیز فرو نگذاشتیم/انعام/۳۸/ حیرت انگیز تر می نماید.../صص ۱۱۶/»

پانویس شماره ۸: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۹۳

پانویس شماره ۹: حمید عنایت: نهادها و اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام؛ بکوشش صادق زیبا کلام؛ تهران ۱۳۷۸؛ صص ۱۰۹

پانویس شماره ۱۰: علی عبدالرزاق: اسلام و مبانی قدرت؛ ترجمه امیر رضایی؛ تهران ۱۳۸۰؛ صص ۱۶۴

پانویس شماره ۱۱: علی عبدالرزاق فارغ موسسه ازهر و دارای عنوان امام بود؛ وی را به مناسبت نشر کتاب اسلام و مبانی قدرت به ارتداد متهم کردند؛ از همه القاب خلع عنوان کردند؛ ریش وی را کنند؛ عمامه وی را دریند و وی را از ازهر بیرون انداختند؛ وی دیگر تا پایان عمر دنبال اندیشه های بسیار مهم خود را نگرفت و در انزوا مرد؛ از وی فقط یک اثر دیگر درباره اجماع در دست است.

پانویس شماره ۱۲: طه جابر العلوانی: اصلاح تفکر اسلامی؛ ترجمه محمود شمس؛ تهران ۱۳۷۷؛ صص ۳۵

پانویس شماره ۱۳: کارل لوویت: معنا در تاریخ؛ ترجمه س.ح. ناصری و ز. ابراهیمی؛ تهران ۱۳۹۶

پانویس شماره ۱۴: عبدالحکیم عویس: نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس؛ ترجمه فضل الرحمن فاضل؛ کابل ۱۳۸۱؛ صص ۱۰، ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۳۸

پانویس شماره ۱۵: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۹۲ و ۹۳

پانویس شماره ۱۶: زنجانی اصل: درآمدی بر چالش آرمان و واقعیت در فلسفه سیاسی فارابی؛ تهران ۱۳۸۳؛ صص ۲۵۳ و ۲۵۴

پانویس شماره ۱۷: زنجانی اصل: همانجا؛ صص ۲۵۲

پانویس شماره ۱۸: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۹۳

پانویس شماره ۱۹: عشاوی؛ همانجا؛ صص ۳۱

پانویس شماره ۲۰: س. ج. طباطبایی: زوال اندیشه سیاسی در ایران؛ تهران ۱۳۸۳؛ صص ۱۵۴

پانویس شماره ۲۱: این که بعداً این اصل واپس گرفته شد، اهمیت تبیینی ندارد

پانویس شماره ۲۲: سید محمد خاتمی: آیین و اندیشه در کام خود کامه گی؛ تهران ۱۳۷۹؛ صص ۴۲۳

درباره آثار خاتمی، و سایر چهره های سیاسی ایران کنونی، دو تذکر لازم است: یکی این که چند کتابی که از نام خاتمی نشر یافته اند، اصلاً محصول قلم یک هیأت تحریر است که در رأس آنان سید جواد طباطبایی قرار داشته است؛ و دیگری این که حاکمیت آخوندی در ایران از چنین نوشته هایی نوعی تبری و توجیه تشیع را در نظر دارد؛ شیعه نوشتن اهم شخصیت های دوره اسلامی حوزه ما یکی از همین شگردهای مضحک است؛ همه نهضت های ضد خلافت، مثلاً نهضت ابومسلم خراسانی، نهضت های شیعی نبوده اند؛ و بعد نقد خلافت از نظر توجیه تشیع یک چیز است؛ و نقد خلافت از نظر «احتکار سلطه» یک چیز دیگر است؛ این دویچ نه تنها خاستگاه های متفاوتی دارند و به نتایج متفاوتی می رسند؛ بل اصرار تشیع به انحصار حقیقت، چیزی بیشتر از اصرار تسنن برای انحصار حقیقت، نیست. دوران مضحکه پردازی هر دوی این مدعیان بسر آمده است؛

پانویس شماره ۲۳: ایمان بمعنای بسوی راست رفتن؛ بمعنای بنیاد و نهاد اعتماد کردن، امن گردانیدن و ایمن گردانیدن (لغتنامه دهخدا).

پانویس شماره ۲۴: حریم بمعنای گردا گرد. لغتنامه دهخدا

پانویس شماره ۲۵: «هر یکی از ایشان در ایالت و سیاست و عدل و رأفت، علیحده امتی بودند». کلیله و دمنه

پانویس شماره ۲۶: هر کس شهادت ندهد، او کافر است. لغتنامه دهخدا

پانویس شماره ۲۷: «نبی» در لغت بمعنای از جایی به جایی بیرون آینده. نبی بمعنای خبر دهنده. لغتنامه دهخدا

پانویس شماره ۲۸: علی عبدالرزاق؛ همانجا؛ صص ۳۲

پانویس شماره ۲۹: کلمه مدینه اصلا یک کلمه آرامی است؛ کلمه مدینه چاربار در قرآن آمده است/بهاءالدین خرمشاهی: دانشنامه قرآن؛ تهران ۱۳۷۷؛ ج ۲؛ ص ۲۰۲/

پانویس شماره ۳۰: عشاوی؛ همانجا؛ ص ۹۲

پانویس شماره ۳۱: خرمشاهی؛ همانجا؛ ص ۲۰۲

پانویس شماره ۳۲: امت بمعنای صنف و دسته از هر قبيله؛ لغتنامه دهخدا

پانویس شماره ۳۳: هرگاه این تعریف درست باشد که «دین عبارت از مراجعه به امر قدسی» است، و مراجعه به امر قدسی بمعادل عبور از تناهی به لایتناهی پذیرفته شود، پس دین حریم ندارد، چون حریم به تناهی برمی گردد. در همین جا اضافه می کنیم که افاده سنایی «حکمت شرعی» هم دقیق نیست. شرع اشعری یک میحث کلامی است و «حکمت» در اسلام در برون از حوزه کلام تاسیس شده است.

پانویس شماره ۳۴: عبدالحکیم ضیبایی: رستاخیز اُمت؛ کابل ۱۳۶۸؛ ص ۹

پانویس شماره ۳۵: ضیبایی؛ همانجا؛ صص ۱۰ تا ۱۳

پانویس شماره ۳۶: «بنیان مرصوص» یک افاده منصوص است بمعنای بنیان بهم پیوسته و محکم. لغتنامه دهخدا

پانویس شماره ۳۷: ضیبایی؛ همانجا؛ صص ۳۲ و ۳۳ و ۳۵



بخش اول این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rogh_h_naqde_bar_nazaryaye_islamisty_۱.pdf

بخش دوم این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rogh_h_naqde_bar_nazaryaye_islamisty_۲.pdf

بخش سوم این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rogh_h_naqde_bar_nazaryaye_islamisty_۳.pdf

بخش چهارم این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rogh_h_naqde_bar_nazaryaye_islamisty_۴.pdf